

مطالعه‌ی پدیدارشناختی تجارب زیسته‌ی معلمان از روش یادگیری مشارکتی

افسانه علیزاده^۱، یوسف ادیب^۲

دریافت: ۱۴۰۴/۵/۵ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۹

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل تجارب زیسته‌ی معلمان دوره‌ی ابتدایی در زمینه‌ی کاربرد روش یادگیری مشارکتی در فضای کلاس درس است. این روش که بر تعامل، مشارکت فعال و همکاری میان دانش‌آموزان تمرکز دارد، می‌تواند نقشی موثر در ارتقای کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری ایفا کند. پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی صورت گرفته است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی معلمان ابتدایی شهرستان شبستر در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود. از این میان، ۱۲ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند و رعایت اصل اشباع نظری انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته انجام شد و تحلیل‌ها براساس الگوی پدیدارشناسی اسمیت (۱۹۹۵) صورت گرفت. یافته‌ها در قالب شش مضمون اصلی شامل ارتباط و تعامل موثر، توسعه‌ی فردی و اجتماعی، نقش معلم، نقش دانش‌آموز، یادگیری فعال و پویا، و گروه‌بندی، به همراه ۱۵ مضمون فرعی دسته‌بندی شدند. نتایج نشان‌دهنده‌ی ظرفیت بالای یادگیری مشارکتی در ارتقای تجربه‌ی آموزشی و رشد مهارت‌های اجتماعی و شناختی دانش‌آموزان هستند.

کلید واژه‌ها: تجارب زیسته، یادگیری مشارکتی، یادگیری فعال، گروه‌بندی.



^۱. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، نویسنده مسئول، Afsaneh.alizadeh^{۱۳۶}@gmail.com

^۲. استاد برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

مقدمه

هم‌زمان با تحولات روزافزون دانش و فناوری، نظام‌های آموزشی نیز تغییرات را به گونه‌ای سریع پذیرفته و شاید بیش از سایر نظام‌ها عرصه‌ی تغییر و تحول شده‌اند. از این‌رو، تغییر در اهداف و محتوای برنامه‌های درسی، روش‌های آموزشی، و به‌طور کلی تغییر در فرایند یاددهی و یادگیری و همگام‌شدن با نوآوری‌ها، امری مسلم و انکارناپذیر بوده است (یانگ^۱، ۲۰۲۳) و نیاز به تربیت دانش‌آموزانی که در درک دنیای پیچیده توانمند و در مدیریت آن خلاق و مبتکر باشند، اهمیت فراوانی یافته است (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۹). با این حال، پاسخ‌گویی به چنین نیازهایی از طریق روش‌های سنتی و غیرفعال آموزش و یادگیری که در آن‌ها به تفاوت‌های فردی توجه نشده و صرفاً به مطالب و مفاهیم کتاب درسی و انتقال آن‌ها به ذهن دانش‌آموزان اکتفا می‌شود، امکان‌پذیر نیست (قریشی و همکاران، ۱۴۰۰). یکی از رویکردهای نوین یاددهی-یادگیری که در نظام‌های آموزشی دنیا به‌عنوان جایگزینی برای پایان دادن به حاکمیت روش‌های سنتی شناخته شده، رویکرد یادگیری مشارکتی می‌باشد (وارفا^۲، ۲۰۱۶). یادگیری مشارکتی رویکردی دانش‌آموزمحور است و هدف اصلی آن، شرکت فعال و معنادار دانش‌آموز در فرایند یادگیری است (ساویر و اوید^۳، ۲۰۱۷). در این رویکرد، دانش‌آموزان برای رسیدن به هدف یادگیری با یکدیگر در گروه‌های کوچک، منظم و همگن تلاش می‌کنند و هر فرد نه تنها مسئول یادگیری خود است، بلکه به تمامی اعضای گروه نیز در جهت رسیدن به هدف جمعی کمک می‌کند (ال سلحی و همکاران^۴، ۲۰۲۵).

متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که دانش‌آموزانی که از طریق یادگیری فعال یاد می‌گیرند، نه تنها بهتر فرامی‌گیرند بلکه از یادگیری لذت بیشتری می‌برند؛ چرا که به‌جای آنکه شنونده‌ی صرف باشند، فعالانه در جریان یادگیری مشارکت کرده و عملکرد تحصیلی خود را ارتقا می‌بخشند (هندریکسون^۵، ۲۰۲۱). به‌طور کلی، این روش باعث تقویت حس همکاری، افزایش شوق به یادگیری، احساس مسئولیت فردی و گروهی، پرورش روحیه‌ی انتقادپذیری و انتقادگری، بهبود روابط عاطفی، افزایش اعتماد و احترام متقابل، تقویت حس وظیفه‌شناسی، رشد مهارت‌های کلامی، کاهش اضطراب، تقویت مهارت‌های خودراهنایی و کاهش وابستگی دانش‌آموز به معلم می‌شود (مارتینز و گومز^۶، ۲۰۲۵؛ جانسون و جانسون^۷، ۲۰۱۶؛ ۴). در این روش، معلم ضمن حفظ نقش مدیریتی خود در کلاس، در ایجاد و سازماندهی فعالیت‌ها و تجارب یادگیری برای دانش‌آموزان نقش اساسی داشته و به‌طور مداوم بر فعالیت‌های گروه‌ها نظارت می‌کند. این دانش‌آموزان هستند که به تشریک مساعی پرداخته و از طریق همکاری و کار گروهی، نقش فعالی را در فرایند یادگیری ایفا می‌نمایند (سیلوا و همکاران^۸، ۲۰۲۱). همکاری و کار گروهی یکی از مهارت‌های مهم قرن بیست و یکم و از جمله مهارت‌های اساسی برای آموزش و ارزیابی در مدارس کشورهای توسعه‌یافته به‌شمار می‌رود (گیتس^۹، ۲۰۱۹) و در این راستا، یادگیری مشارکتی یک استراتژی آموزشی موثر است که فرصتی برای دانش‌آموزان جهت رشد روحیه‌ی همکاری و تعاون و مهارت‌های کار گروهی فراهم می‌سازد (ترن^{۱۰}، ۲۰۱۹). با کار گروهی، دانش‌آموزان توافق خود را درباره‌ی اهداف گروه افزایش داده و نیاز به کمک و حمایت از یادگیری یکدیگر را درک می‌کنند. این موضوع آن‌ها را برمی‌انگیزد تا بازخوردها و اطلاعات مطلوب را برای یکدیگر فراهم آورند و تلاش نمایند تا از طریق آن یادگیری خود و دیگران را به حداکثر برسانند (زینوری و هودا^{۱۱}، ۲۰۲۳؛ پامزان و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۳).

ایده‌ی کلی روش یادگیری مشارکتی، سابقه‌ای طولانی دارد؛ اما در چند دهه‌ی اخیر، توجهات بسیاری را به خود جلب کرده و مطالعات گسترده‌ای درباره‌ی جنبه‌های گوناگون آن صورت گرفته است. مالمبرگ و همکارانش^{۱۳} (۲۰۱۷) در پژوهشی به این

^۱ Yang^۲ Warfa^۳ Sawyer & Obeid^۴ Alsali et al.^۵ Hendrickson^۶ Martinez & Gomez^۷ Johnson & Johnson^۸ Silva et al.^۹ Gates^{۱۰} Tran^{۱۱} Zainuri, A., & Huda^{۱۲} Pamzan et al.^{۱۳} Malmberg et al.

نتیجه رسیدند که یادگیری مشارکتی در مقایسه با یادگیری فردی، معلومات بیشتر و عمیق‌تری را در اختیار یادگیرندگان قرار می‌دهد. نتایج پژوهش کیملمن و لانگ^۱ (۲۰۱۹) نشان داد که یادگیری مشارکتی هم برای معلمان و هم برای دانش‌آموزان از بسیاری جهات مفید است، از جمله اینکه هر دو گروه فرصت تبادل تجربیات و ایده‌هایشان را پیدا کرده و از دیدگاه‌های متعدد استفاده می‌نمایند و تعامل بین معلم و دانش‌آموز بیشتر می‌شود. نتایج تحقیق چان و همکارانش^۲ (۲۰۱۹) نشان داد که یادگیری مشارکتی فعال، رابطه بین تعامل و عملکرد یادگیری دانش‌آموزان را تعدیل می‌کند. اصغری (۱۴۰۴) در پژوهش خود نشان داد که آزمون روش یادگیری مشارکتی بر خودکارآمدی تحصیلی و انگیزش تحصیلی در دانش‌آموزان تاثیر معناداری دارد. نتایج حاصل از پژوهش غریبی و همکارانش (۱۴۰۳) نشان داد که ارائه‌ی آموزش مشارکتی در مقایسه با آموزش‌های مرسوم، تاثیر بیشتری بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در دروس علوم تجربی دارد. صیادپور و صیادپور (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که استفاده از روش یادگیری مشارکتی، اضطراب دانش‌آموزان را کاهش و انگیزش پیشرفت تحصیلی آن‌ها را افزایش می‌دهد. همچنین، خالق خواه و همکارانش (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که روش یادگیری مشارکتی از نوع جیگ‌ساو نسبت به روش‌های سنتی تدریس، در رشد مهارت خودتنظیمی و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان تاثیر بیشتری دارد.

با وجود آن که در چند دهه‌ی گذشته در ایران، محققان در زمینه‌ی یادگیری مشارکتی شاخص‌های گوناگونی از قبیل تفکر انتقادی (ریخته‌گر، ۱۳۹۱)، درک مطلب (عصیری، ۱۳۹۱)، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان (کرامتی و همکاران، ۱۳۹۱)، خودپنداره (خوش‌رو، ۱۳۸۸)، و بسیاری از شاخص‌های دیگر را مورد مطالعه قرار داده‌اند، اما تاکنون تجارب زیسته‌ی معلمان از کاربرد روش یادگیری مشارکتی مورد واکاوی قرار نگرفته است. با توجه به این که کشف تجارب زیسته‌ی معلمان در ارتباط با یادگیری مشارکتی، موجب شناسایی میزان و نحوه‌ی کاربرد این روش توسط معلمان در کلاس‌های درس و آثار و پیامدهای مفید و مطلوب آن می‌شود و نیز به منظور پر کردن شکاف تحقیقاتی موجود در این زمینه، پژوهش حاضر با هدف شناخت تجارب زیسته‌ی معلمان از کاربرد روش یادگیری مشارکتی در کلاس‌های درس مدرسه صورت گرفت تا بتوان از نتایج آن در جهت گسترش استفاده از این رویکرد نوین و فعال در فرایند آموزش و یادگیری بهره گرفت.

مسئله‌ی اصلی پژوهش حاضر به این صورت مطرح می‌شود: تجربه‌ی شما از روش یادگیری مشارکتی در کلاس درس چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات کیفی بوده و با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی صورت گرفته است. پدیدارشناسی، روشی است که به کمک آن می‌توان آگاهی و تجربه افراد متعدد از مفاهیم و پدیده‌ها را بدون واسطه دریافت کرد و هدف اصلی آن، کشف تجارب مختلف افراد از پدیده مورد بررسی، جهت رسیدن به ماهیت و جوهره واقعی آن پدیده یا مفهوم می‌باشد (ون منن^۳، ۲۰۱۶). جامعه‌ی پژوهش شامل تمامی معلمان دوره‌ی ابتدایی شهرستان شبستر در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود که براساس نمونه‌گیری هدفمند (انتخاب افرادی که دارای تجربیات غنی بوده‌اند) و معیار اشباع نظری، ۱۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش، مصاحبه‌ی عمیق و نیمه‌ساختاریافته بود تا شرکت‌کنندگان، تجارب خود نسبت به موضوع را با زبان و واژگان شخصی روایت کنند. مدت زمان مصاحبه‌ها به طور متوسط ۳۰ دقیقه بود. این مصاحبه‌ها ضبط شده و هر کدام بلافاصله پس از انجام، توسط پژوهشگر به صورت متن مکتوب درآمده و مولفه‌های آن استخراج می‌شد. با انجام ۱۲ مصاحبه و اشباع اطلاعات، فرایند مصاحبه خاتمه یافت و اطلاعات گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش پیشنهادی اسمیت^۴ (۱۹۹۵) (به نقل از ادیب حاج باقری، پرویزی و صلصالی، ۱۳۹۰) استفاده شد. سه مرحله را برای تحلیل داده‌ها پیشنهاد کرده است: الف. تولید داده‌ها ب. تجزیه و تحلیل داده‌ها که شامل مراحل فرعی است: ۱. مواجهه‌ی اولیه؛ خواندن و

^۱ Kimmelman & Lang

^۲ Chan et al.

^۳ Van Manen

^۴ Smith

بازخوانی یک مورد، ۲. تشخیص و برچسب زدن به مقوله‌ها، ۳. لیست کردن و خوشه‌بندی مقوله‌ها، ۴. ایجاد یک جدول خلاصه‌سازی ج. تلفیق مورد‌ها بر این اساس، پس از هر مصاحبه، محتوای آن‌ها بلافاصله به حالت نوشتاری تبدیل شده و مورد تحلیل قرار گرفت. در گام بعدی، یعنی تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا هر یک از مصاحبه‌های مکتوب با دقت خوانده شده و چندین بار بازخوانی شد؛ سپس مقوله‌های فرعی تعیین و برچسب گذاری گردیدند. مقوله‌ها سازماندهی و خوشه‌بندی شده و با مقایسه‌ی مداوم، و در نظر گرفتن شباهت‌ها و تفاوت‌های مقوله‌های فرعی، مضامین اصلی استخراج گردید. در نهایت، از طریق تلفیق، فهرست کاملی از مقوله‌ها و مضامین کلی و فرعی به دست آمد و در قالب جدول ارائه شد. داده‌های این جدول، مبنای گزارش یافته‌های پژوهش شد. مقبولیت نتایج بدین صورت تایید گردید که نتایج نهایی در اختیار تعدادی از شرکت کنندگان قرار گرفت تا مشخص شود آیا توصیفات، بازتاب‌دهنده‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی آن‌ها هست یا خیر. اعتبار و روایی مطالعه نیز براساس روش پیشنهادشده توسط لینکلن و گوبا^۱ (۱۹۸۵) بررسی شد تا قابلیت اعتماد داده‌ها افزایش یابد. مشاهده‌ی مداوم از طریق کنار هم قرار دادن یادداشت‌ها و تحلیل‌ها صورت پذیرفت. همچنین، همسانی و تاییدپذیری یافته‌ها نیز از طریق تلفیق یادداشت‌های خام، یادداشت‌های عرصه، معانی استخراج‌شده و فرموله‌شده حاصل شد.

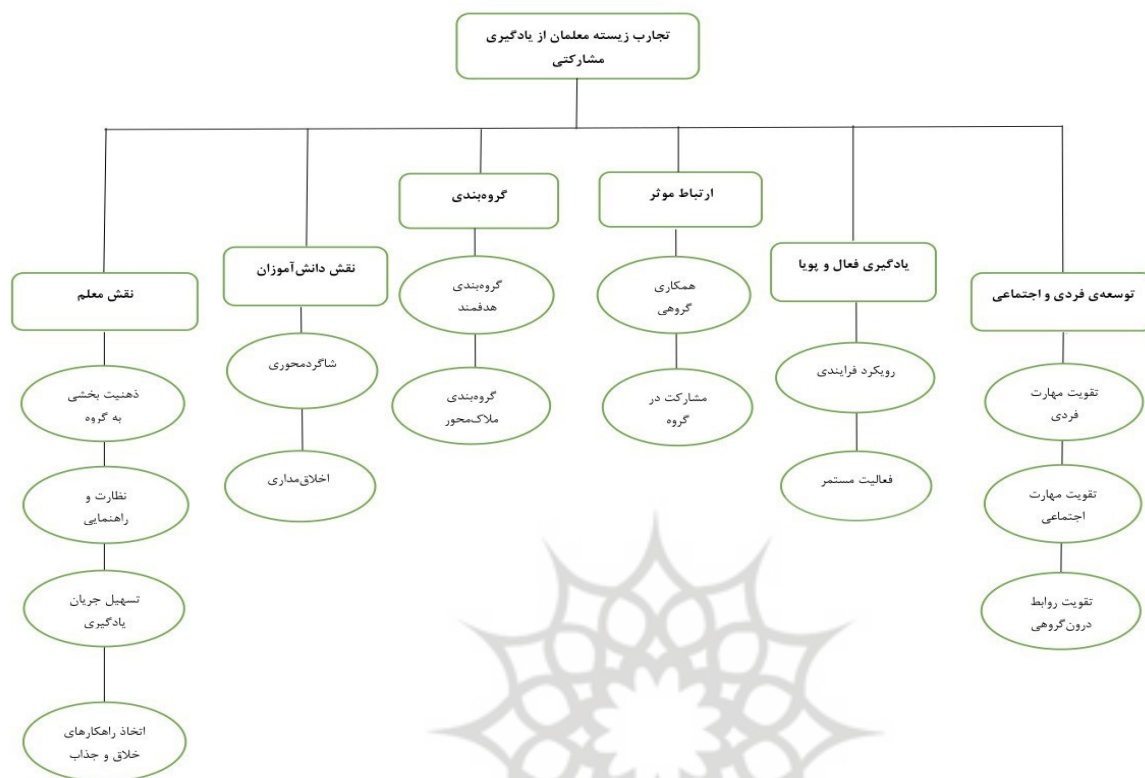
یافته‌ها

در پژوهش حاضر، پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها شش مضمون اصلی و پانزده مضمون فرعی به دست آمد که این مضامین به همراه مفاهیم به دست آمده از تجربیات شرکت کنندگان در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مضامین اصلی و فرعی تجارب زیسته‌ی معلمان از روش یادگیری مشارکتی

مضامین اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم
ارتباط موثر	همکاری گروهی	همکاری مداوم، برقراری تفاهم، برقراری ارتباط با همدیگر، همیاری
توسعه‌ی فردی و اجتماعی	مشارکت در گروه	بحث گروهی، تکمیل نظرات همدیگر، ایده دادن به همدیگر
	تقویت مهارت فردی	افزایش مسئولیت پذیری، همدلی، افزایش تعهد، وظیفه شناسی
	تقویت مهارت اجتماعی	پرورش روابط اجتماعی، اتحاد داشتن
	تقویت روابط درون گروهی	کاهش حس رقابت، افزایش حس صمیمت، تقویت کار تیمی
نقش معلم	ذهنیت بخشی به گروه	تعیین و تبیین هدف، راه اندازی بحث گروهی، جهت دهی به فعالیتهای دانش آموزان
	نظارت و راهنمایی	مداخله در جهت هدایت جریان یادگیری، درگیر کردن و به چالش کشیدن دانش آموزان، فعال نگه داشتن کلاس،
	تسهیل جریان یادگیری	ایجاد تنوع، کمک به تقسیم وظایف در بعضی از مواقع، هموار کننده مسیر دستیابی به هدف یادگیری
	اتخاذ راهکارهای خلاق و جذاب	یادگیری از طریق بازیهای گروهی، تغییر چیدمان کلاس، یادگیری از همتایان، استفاده از رسانه های آموزشی
نقش دانش آموزان	شاگرد محوری	اعلام نظر نهایی توسط سرگروه، تجربه کردن به صورت عینی، به اشتراک گذاشتن ایده ها
یادگیری فعال و پویا	اخلاقی مداری	احترام گذاشتن به عقاید یکدیگر، پذیرش تفاوت های فردی، روحیه انتقاد پذیری
	رویکرد فرایندی	داشتن مراحل منظم در یادگیری، هدفمندی، عدم یکنواختی، یادگیری مستمر
	فعالیت مستمر	ایفای نقش در گروه، ارائه راهکارهای پیشنهادی، فعال بودن اعضا
گروه‌بندی	گروه‌بندی هدفمند	همکاری بین دانش آموزان توانمند و ضعیف، رسیدن به فهم مشترک و گسترده، از هم آموزی، خودارزیابی
	گروه‌بندی ملاک محور	گروه‌بندی بر اساس علائق فردی، موضوع فعالیت مورد نظر، صلاحدید معلم، سطح توانایی دانش آموزان

مدل مفهومی مضامین اصلی و فرعی استخراج شده از تجارب زیسته معلمان از یادگیری مشارکتی در شکل زیر ارائه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی مضامین اصلی و فرعی استخراج شده از تجارب زیسته معلمان درباره یادگیری مشارکتی

مضمون اصلی ۱: ارتباط موثر

یادگیری مشارکتی یکی از روش‌های یاددهی - یادگیری تعامل محور بوده و شامل گروه‌های کوچکی از دانش‌آموزان است که در محیط کلاس برای تکمیل یک فعالیت، حل مسئله یا ایجاد محصول با هم کار می‌کنند. در این پژوهش، اولین مضمون استخراج شده از تجارب معلمان از یادگیری مشارکتی مضمون ارتباط موثر است که شامل دو مضمون فرعی "همکاری گروهی" و "مشارکت در گروه" می‌باشد.

همکاری گروهی: یادگیری مشارکتی در کلاس درس باعث افزایش ارتباط و همکاری دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌ها و تکالیف گروهی می‌شود. دانش‌آموزان در این روش، برای رسیدن به هدف مشترک گروه، تلاش می‌کنند تا با همیاری، تعاون و برقراری تفاهم و تعامل سازنده، به موفقیت گروهی دست یابند. مشارکت کنندگان شکل‌گیری همکاری گروهی در یادگیری مشارکتی را این گونه تشریح می‌کنند:

«یادگیری مشارکتی از نظر من یعنی نوعی یادگیری که در آن، بچه‌ها از طریق همیاری و مشارکت به یک هدف مشترک می‌رسند» (م۳). «معلم هر از گاهی سوال‌هایی می‌پرسد و دانش‌آموزان را به برقراری تعامل با یکدیگر وادار می‌کند یا اینکه ممکن است بگوید با هم بحث کنید و به نتیجه برسید، اینجا ممکن است اختلاف نظرهایی وجود داشته باشد، ولی در نتیجه‌ی این بحث گروهی دانش‌آموزان می‌توانند به تفاهم برسند» (م۱).

مشارکت در گروه: در رویکرد یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان نقش‌هایی را در گروه به عهده می‌گیرند، در بحث‌های گروهی نظرات و ایده‌های خود را ارائه می‌دهند، گفته‌های هم‌گروهی‌های خود را در صورت لزوم

اصلاح یا تکمیل می کنند و برای رسیدن به یادگیری مطلوب و ارتقای درسی همدیگر تلاش می کنند. بعضی از گفته های مشارکت کنندگان در این رابطه به شرح زیر است:

«در گروه دانش آموز ضعیف یک نظری می دهد و دانش آموز قوی نظر او را کامل تر می کند. ممکن است دانش آموز قوی نیز در مورد موضوع مورد نظر چیزی به ذهنش نرسد و دانش آموز ضعیف با توضیحات ابتدایی خود باعث می شود که ذهن دانش آموز قوی باز شود و ایده ها و پاسخ هایی در رابطه با موضوع در ذهنش ایجاد شود» (م ۳). «معمولاً من به عنوان معلم برای دانش آموزانم موضوعی را تعیین می کنم تا درباره ی آن با همدیگر در گروه بحث و گفتگو نمایند و به آن ها می گویم که در انتهای بحث و فعالیت گروهی سوالاتی پیرامون موضوع خواهم پرسید ولی مشخص نمی کنم که از چه افراد و چه گروه هایی خواهم پرسید» (م ۷).

مضمون اصلی ۲: توسعه ی فردی و اجتماعی

یادگیری مشارکتی با تشویق دانش آموزان به مشارکت در گروه و فعالیت های گروهی، توسعه فردی و اجتماعی آن ها را تقویت می کند و مسئولیت پذیری آن ها را در قبال یادگیری خود و دیگران افزایش می دهد. در این پژوهش، این مضمون شامل سه مضمون فرعی از قبیل تقویت مهارت های فردی، تقویت مهارت های اجتماعی، و تقویت روابط درون گروهی می باشد.

تقویت مهارت های فردی: دانش آموزانی که در گروه های کلاسی به فعالیت و یادگیری مشارکتی می پردازند، علاوه بر ارتقای عملکرد تحصیلی، حس مسئولیت پذیری و تعهد را نیز تقویت می کنند. زمانی که این دانش آموزان برای ارتقای سطح اعضای گروه خود تلاش می کنند، حس همدلی و همبستگی بین آن ها افزایش می یابد. در ادامه به چند نمونه از گفته های مشارکت کنندگان اشاره شده است:

«به نظرم اولین شرط استفاده از یادگیری مشارکتی این است که بچه ها از قبل برای انجام کار مشارکتی آموزش ببینند، یعنی بدانند که وقتی کار گروهی را شروع می کنند در قبال گروه وظایفی دارند و همه باید مسئولیت کار خودشان را به عهده بگیرند» (م ۱۱). «این روش باعث ایجاد احساس مسئولیت در اعضای گروه می شود، چون هر عضو وظیفه ای دارد که باید انجام بدهد و گرنه گروه نتیجه ی خوبی نمی گیرد» (م ۸).

تقویت مهارت های اجتماعی: روش یادگیری مشارکتی در کلاس درس به دانش آموزان فرصت می دهد تا با قرار گرفتن در گروه و حضور مستمر در فعالیت های گروهی، ارتباط با همکلاسی ها را برقرار کنند و روابط اجتماعی خود را ایجاد و پرورش دهند. در این رابطه، به نظرات تعدادی از مشارکت کنندگان اشاره می شود:

«وقتی دانش آموزان در کلاس با هم و به صورت گروهی به فعالیت و مشارکت می پردازند، علاوه بر اینکه از نظر درسی می توانند به هم کمک کنند و منجر به پیشرفت تحصیلی هم شوند، این کار کردن گروهی باعث می شود که آن ها از نظر روابط اجتماعی نیز از هم تاثیر بپذیرند و نحوه ی برقراری ارتباطات اجتماعی را یاد بگیرند» (م ۱۲).

«وقتی دانش آموزان افکار و نظراتشان را واضح بیان می کنند این کار باعث تقویت ارتباط اجتماعی آن ها هم می شود» (م ۸).

تقویت روابط درون گروهی: کلاس درس به عنوان یک محیط اجتماعی، شرایطی را فراهم می کند که دانش آموزان بتوانند با همتایان و معلم خود ارتباط برقرار کنند. رویکردهای نوین آموزشی مانند یادگیری مشارکتی، دانش آموزان را به سمت تقویت ارتباطات، کار بر روی نقاط ضعف، برقراری روابط دوستانه و صمیمانه با اعضای گروه و همیاری برای رسیدن به موفقیت گروهی هدایت می کند. برخی از گفته های مشارکت کنندگان در این زمینه به شرح زیر می باشد:

«در طول فرایند یادگیری مشارکتی، هم ارتباط و تعامل دانش آموزان با همدیگر بیشتر می شود، هم صمیمیت بیشتری بین آن ها ایجاد می شود و حس رقابت از بین آن ها برداشته می شود و هم این که می تواند نوعی از همدیگر آموزی بین آن ها اتفاق بیفتد» (م ۲). «زمانی که معلم به بچه ها فرصت انجام کار گروهی یا آزمون گروهی را

می‌دهد، درواقع به آن‌ها راه و روش تیمی کار کردن را یاد داده و روحیه‌ی عضو گروه بودن را در آن‌ها پرورش می‌دهد.» (م ۱۱).

مضمون اصلی ۳: نقش معلم

این مضمون شامل چهار مضمون فرعی ذهنیت بخشی به گروه، نظارت و راهنمایی، تسهیل جریان یادگیری، و اتخاذ شیوه‌های نوین آموزشی می‌باشد.

ذهنیت بخشی به گروه: معلم به عنوان راهنما، فعالیت‌ها و جریان‌ات یادگیری دانش‌آموزان را هدایت می‌کند، اهداف یادگیری مشخصی برای گروه‌ها تعیین می‌کند و مسیر رسیدن به هدف را برای آن‌ها روشن می‌کند، تا دانش‌آموزان با مشارکت در گروه به هدف یادگیری برسند. در ادامه، نظرات برخی از مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شود:

«معلم دانش‌آموزان را برای رسیدن به یک هدف یادگیری خاص، هدایت می‌کند و مسیر رسیدن به هدف تعیین شده در هر درس را برایشان روشن می‌کند.» (م ۶). «من از این روش در کلاس خیلی استفاده می‌کنم، بعد از تدریس موضوع مورد نظر و ارائه‌ی توضیحات کافی راجع به آن بچه‌ها را به گروه‌های ۴ یا ۵ نفره تقسیم می‌کنم. به صورت گروهی که نشستند راجع به موضوع تدریس شده از آن‌ها می‌خواهم به بحث و گفتگو بپردازند.» (م ۱۰).

نظارت و راهنمایی: معلمان در کلاس درس نقش مهمی در نظارت مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان دارند. زمانی که دانش‌آموزان در گروه‌ها فعالیت یا بحث می‌کنند، معلم باید به صورت مداوم نظارت کند و در صورت وجود مشکل، مداخله کرده و گروه را راهنمایی کند. همچنین، معلم باید عملکرد کل دانش‌آموزان را تحت نظر داشته باشد و با استفاده از روش‌های مختلف، همه‌ی دانش‌آموزان را فعال نگه دارد. بعضی از نکات ذکر شده در این خصوص توسط مشارکت‌کنندگان در زیر ارائه شده است:

«معلم از طریق نظارت بر کار گروه‌ها در کلاس توجه دارد که هر عضو وظیفه تعیین شده برای خود را به درستی انجام دهد، فعال و پویا باشد و همکاری مداوم با گروه داشته باشد.» (م ۲). «معلم در اینجا یک مکمل و راهنما می‌باشد. چرا این روش‌ها را استفاده می‌کنیم چون می‌خواهیم معلم از نقش متکلم وحده بودن خارج شود و بچه‌ها بیشتر فعال شوند. معلم وظیفه‌ی راهنمایی کردن را دارد. در مواردی که بچه‌ها نواقصی دارند معلم می‌تواند مداخله کرده و به منظور یادگیری کامل، نظرات دانش‌آموزان تکمیل کند.» (م ۴).

تسهیل جریان یادگیری: معلم به عنوان تسهیل‌کننده‌ی جریان یادگیری در کنار دانش‌آموزان قرار دارد، مسیر دستیابی به هدف‌های یادگیری را برای گروه‌ها هموار می‌کند و با فراهم کردن فعالیت‌های گروهی متنوع در دانش‌آموزان ایجاد انگیزه می‌کند تا با علاقه‌ی بیشتری به همکاری و مشارکت در گروه خود بپردازند. در زیر، چند نمونه از اظهارات مشارکت‌کنندگان در این رابطه ارائه شده است:

«در واقع معلم تسهیل‌کننده و مشاور هست. هر جا که احساس کنم سوال یا مشکلی برای یک گروه ایجاد شده که اعضای گروه قادر به حل کردنش نیستند، حتما راهنمایی می‌کنم و برای رسیدن به پاسخ سوال به آن‌ها جهت-دهی می‌کنم.» (م ۱۱). «گاهی برخی از دانش‌آموزان حواسشان پرت می‌شود یا به درس توجه ندارند، اینجا باید خود معلم به ایجاد تنوع و جلب توجه بپردازد.» (م ۵).

اتخاذ راهکارهای خلاق و جذاب: معلم خلاق با استفاده از راهکارهای متنوع، محیط کلاس را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که پویایی کلاس حفظ شود و فعالیت‌های آموزش و یادگیری برای دانش‌آموزان جذاب باشد، تا آن‌ها با اشتیاق در یادگیری گروهی مشارکت کنند. بعضی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در این باره به شرح زیر است:

«تکالیف و فعالیت‌های مختلفی را که در دروس مختلف وجود دارد بیشتر به سمت گروهی حل کردن ببریم تا برای دانش‌آموزان جذابیت داشته باشند. به عنوان مثال، انواع روش‌های املا نویسی را به شکل بازی‌های گروهی اجرا می‌کنیم، در هنر و نقاشی نیز فعالیت‌های خلاقانه‌ای به دانش‌آموزان ارائه می‌کنم، مثلاً یکی از آن‌ها متنی از یک کتاب داستان را می‌خواند و بقیه‌ی اعضا ضمن گوش دادن به داستان، آن را در ذهنشان تصور کرده و تصورات خود را در دفتر نقاشی می‌کنند. حتی چیدمان کلاس نیز به شکل دایره‌های کوچک گروهی است.» (م ۲). «ممکن است در گروه‌ها بعضی از دانش‌آموزان ضعیف مسئله‌ای را به خوبی درک نکنند، در چنین مواردی از سرگروه او می‌خواهیم که به آن دانش‌آموز مسئله را یک بار دیگر توضیح دهد و با هم نمونه‌های دیگری درباره‌ی همان سوال قبلی حل کنند، البته فرد ضعیف حل کرده و سرگروه نظارت می‌کند. در نتیجه، در اثر تمرین با یکدیگر، از هم آموزی اتفاق می‌افتد. هرچند ممکن است یادگیری دقیق و کامل نباشد ولی پیشرفت‌های جزئی مشاهده می‌شود.» (م ۹).

مضمون اصلی ۴: نقش دانش‌آموزان

چهارمین مضمون استخراج شده از مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان شامل دو مضمون فرعی می‌باشد که عبارتند از شاگرد محوری، اخلاق‌مداری.

شاگرد محوری: یادگیری مشارکتی یک رویکرد نوین آموزشی است که دانش‌آموزان را فعال کرده و اختیار عمل بیشتری به آن‌ها می‌دهد. این روش با تشویق دانش‌آموزان به همکاری در گروه و اشتراک‌گذاری ایده‌ها، اعتماد به نفس و قدرت بیان آن‌ها را افزایش می‌دهد و کم‌رویی و خجالتی بودن آن‌ها را کاهش می‌دهد. در قسمت بعدی به چند نمونه از بیانات مشارکت‌کنندگان در این زمینه اشاره شده است:

«وقتی دانش‌آموزان با هم بحث می‌کنند نظراتشان را به هم می‌گویند، یک ارتباط دو طرفه بین آن‌ها شکل می‌گیرد. وقتی ایده‌هایشان را با هم به اشتراک می‌گذارند قدرت بیانشان بهتر می‌شود و از این که نظراتشان در گروه مورد توجه قرار می‌گیرد اعتماد به نفسشان زیاد می‌شود. این ایده‌ها را بررسی می‌کنند و وقتی به یک نتیجه خوب برای جواب دادن رسیدند سرگروه نظر نهایی گروه را اعلام می‌کند.» (م ۸). «دانش‌آموزان توانمند می‌توانند به عنوان سرگروه در گروه‌ها ایفای نقش نموده و به سایر اعضای گروه ذهنیت بدهند گروه را مدیریت کنند، جریان بحث را در گروه راه اندازی و مدیریت کنند، وظایفی را به اعضا محول کنند و در نهایت به جمع‌بندی نظرات گروه بپردازند.» (م ۷).

اخلاق‌مداری: هدف کلی از کار مشارکتی، یادگیری رفتار و برخورد صحیح با دیگران در گروه است. در یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان نه تنها برای کسب موفقیت تحصیلی تلاش می‌کنند، بلکه می‌آموزند چگونه روابط اخلاقی مناسبی با دیگران داشته باشند، به نظرات یکدیگر احترام بگذارند، انتقادات سازنده داشته باشند، انتقادپذیر باشند و خطاها و نقاط ضعف همدیگر را به صورت دوستانه برطرف کنند. چند نمونه از گفته‌های مشارکت‌کنندگان درباره‌ی این موضوع به این شرح است:

«در هر تکلیف یا فعالیتی که دانش‌آموزان انجام می‌دهند، ممکن است در شرایطی قرار بگیرند که باید خطاها و مشکلات همدیگر را به صورت دوستانه به هم بگویند و در واقع به نوعی از همدیگر انتقاد کنند. چون بین بچه‌ها تفاوت‌های فردی وجود دارد، ایده‌هایی که می‌دهند شاید با هم خیلی فرق داشته باشد. احتمال دارد خیلی از ایده‌ها هم اشتباه باشند، اما باید یاد بگیرند که وقتی مقابل دیدگاه‌ها و ایده‌های مختلف قرار می‌گیرند چگونه با هم رفتار کنند و به چه شکلی انتقاد کنند. این روش باعث می‌شود یاد بگیرند به همدیگر احترام بگذارند و محترمانه نظرات همدیگر را نقد کنند. تازه این انتقاد کردن‌ها باعث می‌شود دانش‌آموزان روحیه انتقاد پذیری پیدا کنند و در برابر انتقاد بقیه بچه‌ها عصبانی نشوند.» (م ۸). «دانش‌آموزان از نظر استعدادها و توانمندی‌هایی که دارند با هم متفاوت هستند و ما باید از طریق این روش‌های یادگیری مشارکتی به آن‌ها یاد بدهیم که به جای انتقاد کردن از اعضای

ضعیف گروه خود و مورد تمسخر قرار دادن آن‌ها، رفتار دوستانه و مثبت با آن‌ها داشته و بر نقاط قوتشان تاکید کنند تا اعتماد به نفس، خودباوری و انگیزه‌ی همکاری با گروه در وجود این دانش آموزان تقویت شود.» (م ۱۰).

مضمون اصلی ۵: یادگیری فعال و پویا

یادگیری مشارکتی، یکی از روش‌های نوین آموزشی است که دانش آموزان را در فرایند یاددهی و یادگیری فعال می‌کند. این روش با فراهم کردن زمینه‌ای برای اتخاذ نقش‌ها و مسئولیت‌های مختلف، دانش آموزان را به یادگیری مستمر و حفظ پویایی گروه تشویق می‌کند. یادگیری فعال و پویا به عنوان پنجمین مضمون اصلی استخراج شده از تجارب زیسته‌ی معلمان از یادگیری مشارکتی، شامل دو مضمون فرعی "رویکرد فرایندی" و "فعالیت مستمر" می‌باشد.

رویکرد فرایندی: یادگیری مشارکتی، روشی جدید و فرایندی در یاددهی و یادگیری است که با تعیین هدف‌های خاص توسط معلم، دانش آموزان را به مشارکت فعال در گروه تشویق می‌کند. این روش با تقویت مهارت‌ها و توانایی‌های دانش آموزان، به یادگیری مستمر آن‌ها در زمینه‌های مختلف درسی، اجتماعی، عاطفی و جسمانی کمک می‌کند. در قسمت بعدی تعدادی از گفته‌های مشارکت کنندگان در این مورد ارائه شده است:

«این روش دارای فرایندی است که در آن گروه‌ها از اهداف شروع می‌کنند. اینجا هدف نمره‌دهی یا ارتقاء رتبه نیست، بلکه هدف فقط یادگیری مستمر است.» (م ۴). «یادگیری مشارکتی دارای یک سری مراحل منظمی است که این امر باعث می‌شود کلمه فرایند در رابطه با یادگیری مشارکتی به ذهنم بیاید. فرایند یعنی اول هدف تعیین می‌کنیم، بعد معیارهایی را تعریف می‌کنیم و مشخص می‌کنیم که به چیزی خواهیم رسید، این موضوع را تا کجا پیش خواهیم برد. در گام سوم در گروه هر فرد نقشی به عهده می‌گیرد و با تعامل و همکاری فعالیت می‌کنند و در نهایت به یادگیری مورد نظر می‌رسند.» (م ۱).

فعالیت مستمر: یادگیری مشارکتی، فعالیت مستمر دانش آموزان را در فرایند یاددهی و یادگیری تقویت می‌کند و باعث افزایش یادگیری می‌شود. در این روش، دانش آموزان با ایفای نقش، شرکت در بحث و ارائه راهکارها و نظرات سازنده، به پیشرفت تحصیلی خود و گروه کمک می‌کنند. در این باره، برخی از مشارکت-کنندگان چنین اظهار نظر نموده‌اند:

«در این یادگیری دانش آموزان از حالت منفعل بودن خارج شده و در جریان یادگیری فعال می‌شوند، اما این کار مستلزم این است که یک موقعیت یادگیری مبتنی بر تجربه برای دانش آموزان فراهم شود. در واقع چون روش کار گروهی است، بر موقعیت‌های تجربه محور تاکید می‌شود.» (م ۸). «من معمولاً در کلاس موضوع مورد نظر را توضیح می‌دهم، سپس تکالیف هر گروه را مشخص می‌کنم و سرگروه‌ها را مسئول این کار می‌کنم که با توجه به تکالیف داده شده بین اعضای خود تقسیم وظایف کنند و به هر عضو نقشی بدهد و با هم به انجام آن تکالیف بپردازند و همه‌ی اعضا درگیر جریان یادگیری باشند و در انجام آن تکالیف گروهی فعال باشند.» (م ۲).

مضمون اصلی ۶: گروه‌بندی

یکی از ویژگی‌های کلیدی روش یادگیری مشارکتی، گروه‌بندی دانش آموزان است. اما باید به این نکته توجه کرد که گروه‌بندی باید به گونه‌ای انجام شود که نتیجه‌ی آن، گروه‌هایی با توانایی‌های متفاوت و ناهمگن باشد. در پژوهش حاضر، این مضمون شامل دو زیرمضمون "گروه‌بندی هدفمند" و "گروه‌بندی ملاک محور" می‌باشد.

گروه‌بندی هدفمند: گروه‌بندی در کلاس درس و تکلیف به گروه‌ها برای انجام، لزوماً به معنای یادگیری مشارکتی نیست. در یادگیری مشارکتی، گروه‌بندی باید هدفمند و با نظام خاصی باشد تا فعالیت‌های گروه به بهترین شکل انجام شود و همکاری بین اعضا تقویت شود. هدف از گروه‌های کلاسی در این روش، افزایش همکاری بین

دانش آموزان، به ویژه بین دانش آموزان توانمند و ضعیف، استفاده از هم‌آموزی، دستیابی به فهم گسترده و مشترک و خودارزیابی در گروه است. بعضی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان به شرح زیر می‌باشد:

«در یادگیری مشارکتی موضوعی که داریم را به بچه‌ها ارائه می‌کنیم و بچه‌ها باید همه در مورد آن موضوع پیش‌فرض‌هایی را که دارند بگویند و نظر بدهند و بر اساس جمع‌بندی گفته‌ها و نظرات همه‌ی آن‌ها به یک فهم مشترک و گسترده‌تر برسند.» (م ۳). «بعضی از دانش آموزان در ابتدای کار دچار اضطراب می‌شوند یا در درک مطلب ضعیف هستند و نمی‌توانند در پاسخ به سوال عملکرد خوبی داشته باشند. اگر یک دانش‌آموز توانمند را در کنار چنین دانش‌آموزی قرار دهیم می‌تواند با توضیح بیشتر مطلب، به درک بهتر مفهوم متن به او کمک کند.» (م ۷).

گروه‌بندی ملاک‌محور: در روش یادگیری مشارکتی، معلم بر اساس شناخت از دانش‌آموزان، معیارهای مختلفی را برای تشکیل گروه‌ها در نظر می‌گیرد. ممکن است دانش‌آموزان با سطح پایین تحصیلی با دانش‌آموزان توانمند هم‌گروه شوند تا بهبود درسی آن‌ها را کمک کند، یا بر اساس علایق مشابه، گروه‌بندی انجام شود. در این قسمت تعدادی از اظهارات مشارکت‌کنندگان ارائه شده است:

«درستش این است که دانش‌آموزان بر اساس علایقشان و یا با افرادی که با آن‌ها روابط صمیمی دارند یک گروه را تشکیل دهند. دومین معیار، موضوع فعالیت گروهی است که هر فردی دوست دارد درباره‌ی موضوعی خاص فعالیت کند. بنابراین، به گروه مربوطه ملحق می‌شود. گاهی نیز من به عنوان معلم به صلاح‌دید خودم گروه‌بندی کرده و در هر گروه حداقل یک دانش‌آموز توانمند قرار می‌دهم تا بقیه بتوانند از او یاد بگیرند.» (م ۷). «معمولا بعد از تقسیم بندی اعضای گروه‌ها به ۳ یا ۴ نفر، یک نفر به عنوان سرگروه انتخاب می‌شود. سعی می‌کنم بین اعضا دانش‌آموزان از هر سطحی در گروه باشد. منظورم این است که یک گروه را کلا زنگ یا کلا ضعیف قرار نمی‌دهم. سعی می‌کنم هر عضو بر اساس توانایی که دارد در گروه باشد.» (م ۱۱).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، شناسایی تجارب زیسته‌ی معلمان دوره‌ی ابتدایی از روش یادگیری مشارکتی در کلاس درس بود. بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده، شش مقوله‌ی اصلی شامل ارتباط موثر، توسعه‌ی فردی و اجتماعی، نقش معلم، نقش دانش‌آموز، یادگیری فعال و پویا، و گروه‌بندی شناسایی شد.

از نظر معلمان مشارکت‌کننده، کاربست روش یادگیری مشارکتی در کلاس‌های درس باعث ایجاد ارتباط و تعامل موثر بین دانش‌آموزان می‌شود؛ به گونه‌ای که چنین تعاملی، زمینه‌ساز مشارکت و همکاری مداوم در فعالیت‌های گروهی جهت دستیابی به هدف مشترک اعضا خواهد بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های کرامتی (۱۳۹۹) و گلمحمدنژاد (۱۳۹۷) همخوانی دارد. کرامتی (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان داد که یادگیری مشارکتی، کیفیت برقراری ارتباط را در دو بعد تعامل و همکاری ارتقا می‌دهد. سازوکار این الگو، به دلیل وجود عواملی مانند ارتباط مثبت میان اعضای گروه، همکاری در گروه‌های یادگیری، و پیامدهای رضایت‌بخش جمعی، موجب کسب دستاوردهای آموزشی مطلوب توسط فراگیران می‌شود (آپوربو^۱، ۲۰۲۳). هنگامی که موفقیت دانش‌آموزان وابسته به همیاری و مشارکت سایر اعضای گروه باشد، رفتارهای آن‌ها بیشتر جنبه‌ی مشارکتی پیدا می‌کند و همین امر رشد اجتماعی آنان را تسهیل می‌نماید (زابولوتنا و همکاران^۲، ۲۰۲۵).

پژوهش حاضر نشان داد که یادگیری مشارکتی، با تقویت مهارت‌های فردی و اجتماعی و روابط گروهی، توسعه‌ی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهد. این روش، حس همدلی، تعهد، اتحاد و مسئولیت‌پذیری را در دانش‌آموزان تقویت می‌نماید. یافته‌های حاصل، با نتایج پژوهش ایلخچی و همکاران (۱۴۰۳) و باقری چچکلو و همکارانش (۱۴۰۳) هماهنگ است؛ چرا که ایشان یادگیری مشارکتی را موثر در تکامل دانش‌آموزان دانسته‌اند

^۱ Aporbo

^۲ Zabolotna

و آن را زمینه‌ساز رشد مهارت‌های فردی، اجتماعی و همدلی در فضای آموزشی معرفی کرده‌اند. افزون بر این، این روش آموزشی، احساس مثبت دانش‌آموزان را نسبت به خود و یکدیگر افزایش داده و مسئولیت‌پذیری آنان را در امر یادگیری تقویت می‌نماید (ساری و همکاران^۱، ۲۰۲۴).

یافته‌های این پژوهش، اهمیت نقش معلم در به کارگیری موثر روش یادگیری مشارکتی را برجسته می‌کند. در این رویکرد، معلم با ایجاد ذهنیت مناسب در دانش‌آموزان، فرآیند یادگیری را تسهیل کرده و کلاس را پویا و فعال نگه می‌دارد. معلمان به عنوان تسهیل‌گران یادگیری، دانش‌آموزان را بازیگران اصلی فرآیند یاددهی-یادگیری تلقی کرده، آن‌ها را در جهت کنترل و مدیریت تجربیات یادگیری خود توانمند ساخته و فعالیت‌های آموزشی را مطابق با نیازهای رشدی آنان و به منظور ارتقای موفقیت و سطح مشارکتشان، تنظیم می‌نمایند (کاهیونو و روسیادی^۲، ۲۰۲۵؛ گودیور و دادلی^۳، ۲۰۱۵).

شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر، تاکید داشتند که دانش‌آموزان در یادگیری مشارکتی نقش محوری دارند. با مشارکت فعال و همکاری مستمر در انجام تکالیف گروهی، آن‌ها نه تنها به تحقق اهداف گروهی و موفقیت خود و دیگر اعضا کمک می‌کنند، بلکه رفتار مناسب با هم‌کلاسی‌ها، روحیه‌ی نقدپذیری، و تعامل سازنده را نیز در خود تقویت می‌کنند. همچنین، ابراهیمیان (۱۳۹۹) در پژوهش خود بیان کرده است که فعال‌بودن دانش‌آموزان و تعامل آنان با یکدیگر، از شاخص‌های کلیدی در یادگیری مشارکتی محسوب می‌شود. دانش‌آموزان با حضور در گروه‌هایی متشکل از افرادی مشابه خود، الگوهای رفتاری مناسب را در ابعاد تحصیلی، اجتماعی و اخلاقی می‌آموزند، مهارت‌های تعامل و گفتگو با همسالان را توسعه می‌دهند، نظرات خود را بیان کرده، از آن‌ها دفاع می‌کنند، و توانایی پذیرش دیدگاه‌های دیگران را کسب می‌نمایند (پبریان و همکاران^۴، ۲۰۲۵).

از دیدگاه معلمان مشارکت‌کننده، یادگیری مشارکتی رویکردی فرایندمحور و هدفمند است که اجرای آن در کلاس درس موجب فعالیت و همکاری مداوم دانش‌آموزان می‌گردد. این یافته، با نتایج پژوهش کرامتی (۱۳۹۹) و اوکانر و همکاران^۵ (۲۰۱۷) می‌باشد. یادگیری مشارکتی به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد اهداف مشترکشان را توسعه دهند (گلمحمدنژاد، ۱۳۹۷). مشارکت فعال، تعامل سازنده، و فعالیت‌های گروهی با تنوع ویژگی‌های فردی در کلاس، شرایطی را فراهم می‌سازد تا دانش‌آموزان به جبران ضعف‌های یکدیگر پرداخته و به این باور برسند که تمامی اعضا، صرف‌نظر از تفاوت‌های توانشی، می‌توانند در حل مسائل نقش موثری ایفا کنند (صیادپور و صیادپور، ۱۳۹۶).

طبق تجارب مشارکت‌کنندگان، گروه‌بندی از مهم‌ترین شاخص‌های یادگیری مشارکتی محسوب می‌شود. این گروه‌بندی باید هدفمند و مبتنی بر معیارهای منطقی باشد تا همکاری میان دانش‌آموزان در زمینه‌های درسی، اجتماعی و اخلاقی تقویت شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۱) و قریشی و همکاران (۱۴۰۰) هم‌راستا هستند. ابراهیمی و همکارانش (۱۴۰۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در یادگیری مشارکتی مسئله‌محور، تشکیل گروه‌های کوچک و حضور یک یادگیرنده‌ی قوی در هر گروه می‌تواند نقش مکملی برای معلم ایفا کند. همچنین بر اساس دیدگاه لاومن^۶ (۲۰۲۵) گروه‌ها باید شامل دانش‌آموزانی با موفقیت تحصیلی بالا، متوسط و پایین باشند و سیستم پاداش‌دهی نیز به صورت گروه‌مدار طراحی شود.

^۱ Sari

^۲ Cahyono & Rusiadi

^۳ Goodyear & Dudley

^۴ Pebriana et al.

^۵ O'Connor et al.

^۶ Lowman

به طور کلی، یادگیری مشارکتی می تواند موجب افزایش اعتماد به نفس دانش آموزان، ارتقای علاقه ی آنان به درس و مدرسه، و بهبود مهارت حل مسئله شود. این روش به دانش آموزان کمک می کند تا دریابند کار گروهی می تواند زمینه ساز موفقیت فردی باشد. برای ارتقای یادگیری و توسعه ی شناختی، اجتماعی و عاطفی دانش آموزان، به کارگیری روش های تدریس فعال، به ویژه یادگیری مشارکتی، توصیه می شود. همچنین، پیشنهاد می گردد نظام آموزش و پرورش با طراحی دوره های آموزش مجازی و کارگاه های تخصصی، معلمان را با این رویکرد آشنا کرده و زمینه ی عملیاتی کردن آن را فراهم سازد. برنامه ریزان درسی نیز باید اهداف و محتوای آموزشی را به گونه ای تدوین کنند که فرصت بحث، تعامل و همکاری سازنده بین دانش آموزان تقویت گردد.

پیشنهادهای

نظام آموزش و پرورش برای تربیت دانش آموزانی توانمند و مسئولیت پذیر که بتوانند به شهروندانی مفید برای جامعه تبدیل شوند باید روش های تدریس نوین و فعال نظیر روش های یادگیری مشارکتی را جایگزین روش های مرسوم و سنتی تدریس نماید. در این راستا، پیشنهاد می شود نظام آموزش و پرورش با برگزاری دوره های آموزش مجازی و یا کارگاه های آموزش ضمن خدمت، معلمان را با ابعاد و مولفه های یادگیری مشارکتی آشنا کند تا معلمان اطلاعات کافی در زمینه ی چنین روش های آموزشی فعال و مزایای به کارگیری آن ها کسب کنند و با تمایل و آمادگی بیشتری این روش ها را در کلاس درس خود مورد استفاده قرار دهند. همچنین، پیشنهاد می شود برنامه ریزان درسی اهداف و محتوای برنامه ی درسی را به نحوی تدوین کنند که از این طریق، بستر لازم برای مشارکت هرچه بیشتر دانش آموزان در فعالیت های درسی، ایجاد فضای بحث و گفتگو و همکاری و تعامل چهره به چهره بین دانش آموزان فراهم شود.

منابع

- ابراهیمی، احمد؛ میر شاه جعفری، سید ابراهیم؛ و ربانی خوراسگانی، علی. (۲۰۲۲). الزامات فرآیند یاددهی-یادگیری مشارکتی در آموزش عالی مبتنی بر نیازها، علایق و مهارت‌ها-مورد مطالعه: دانشجویان مقطع کارشناسی. *پژوهش‌های برنامه درسی*, ۱۲(۱), ۴۴-۶۱.
- ابراهیمیان، فاطمه. (۱۳۹۹). بررسی اثر تجربه معلمان تربیت بدنی و استفاده از تکنیک یادگیری مشارکتی در افزایش مهارت دانش آموزان و نقش فعال در کلاس. *تحلیل های جامعه شناختی و مدیریتی در ورزش*, ۲(۱), ۳۱-۴۱. <http://jsmas.modares.ac.ir/article-۹-۶۲۷۴۱-fa.html>
- ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش. (۱۳۹۰). *روشهای تحقیق کیفی*. تهران: بشری.
- استوار، نگار. (۱۳۸۹). اثربخشی یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی شهر تبریز. *مجله پیک نور*, ۸(۱), ۱۱۰-۱۰۰.
- اصغری، فریده. (۱۴۰۴). بررسی میزان اثربخشی آموزش یادگیری مشارکتی بر خودکارآمدی تحصیلی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان مقطع دوم متوسطه شهرستان چالوس. *مجله پژوهش‌های برنامه‌ریزی درسی و آموزشی*, ۱۷(۱).
- ایلخچی، مهرناز، ولی‌زاده، صدف، سیفی، مرضیه، و دهقان، علی. (۱۴۰۳). تأثیر یادگیری مشارکتی بر تقویت مهارت‌های اجتماعی، اعتمادبه‌نفس و حس مسئولیت فردی دانش آموزان. *اولین همایش ملی نگرش‌های نوین در مسائل آموزش و پرورش، رامشیر*. <https://civilica.com/doc/۲۱۰۴۱۸۰>
- باقری چچکلو، نسیمه، پورمند، سوسن، و وصفی بوراچالو، سمیرا. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر تعاملات اجتماعی و مهارت‌های همدلی در دانش آموزان ابتدایی. *اولین همایش بین‌المللی ایده‌های تحول‌آفرین در زمینه مطالعات فرهنگی و آموزشی در آموزش و پرورش با تأکید بر اقدام‌پژوهی، درس‌پژوهی و روایت‌پژوهی در هزاره سوم*. <https://civilica.com/doc/۲۲۵۷۹۹۲>
- خوش رو، محمود. (۱۳۸۸). *بررسی اثربخشی روش یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی، خودپنداره تحصیلی و عملکرد در درس ریاضی دانش آموزان پسر پایه سوم راهنمایی شهر داراب (پایاننامه کارشناسی ارشد)*. دانشگاه آزاد مرودشت.
- رجبی، جلیل؛ متشکر آرائی، محسن؛ شکارچی، بابک و تقوا، ارسیا. (۱۳۹۴). بررسی اثر یکسان‌گزینی دانشجویان در گروه بندی کوچک مطالعاتی بر ثمر بخشی یادگیری مشارکتی در شیوه آموزشی مبتنی بر حل مسئله. *پرستار و پزشک در رزم*, ۳(۶), ۵۵-۶۰. <http://npwjma.ajaums.ac.ir/article-۱-۲۴۶-fa.html>
- ریخته گر نظامی، نازیلا. (۱۳۹۱). *تأثیر یادگیری فعال (مشارکتی) بر تفکر انتقادی دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان ملایر در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ (پایاننامه کارشناسی ارشد)*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر.
- سلطانی، زینت؛ احقر، قدسی، و وحیده، باباخانی. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش راهبردهای هیجان‌مدار بر یادگیری مشارکتی دانش آموزان دوره متوسطه اول. *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*, ۶(۲), ۱-۱۱. <https://doi.org/10.۲۲۱۰۸/ijes.۲۰۲۱.۲۴۲۰۲۷>
- صیادپور، زهره و صیادپور، مرجان. (۱۳۹۶). تأثیر یادگیری مشارکتی بر اضطراب و انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*, ۱۱(۳۹), ۹۷-۱۱۲.
- عصیری، فاطمه. (۱۳۹۱). *تأثیر یادگیری مشارکتی روی مهارت درک مطلب دانش آموزان مقطع متوسطه (پایاننامه کارشناسی ارشد)*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمار.
- غریبی، حسن؛ تبارشرقی، صابر؛ رحمان، شهین و شفاei راد، صبا. (۱۴۰۴). مقایسه اثربخشی آموزش بر اساس الگوی چرخه یادگیری، روش مشارکتی و روش معمول بر میزان مشغولیت تحصیلی و نگرش به یادگیری در درس علوم تجربی پسران پایه هشتم. *رویکردهای نوین آموزشی*, ۱۹(۲), ۱-۲۲. <https://doi.org/10.۲۲۱۰۸/nea.۲۰۲۴.۱۴۲۰۲۵.۲۰۵۰>

- قریشی، بدرالسادات؛ جعفری، پیروش؛ باقری، مهدی و قورچیان، نادرقلی. (۱۴۰۰). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های یادگیری مشارکتی در مدارس ابتدایی شهر بندرعباس. *مجله توسعه آموزش جندی شاپور اهواز*, ۱۲, ۳۸-۲۷.
<https://doi.org/10.22118/edc.2020.249089.1532>
- کرامتی، محمدرضا؛ حیدری رفعت، ابوذر؛ عنایتی نوین فر، علی و هدایتی، اکبر. (۱۳۹۱). تاثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی درس علوم تجربی و اضطراب امتحان. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*, ۱۱ (۴۴), ۸۳-۹۸.
- کرامتی، محمدرضا. (۲۰۲۰). ادراک دانشجویان سال اول رشته مشاوره از یادگیری مشارکتی در کلاس درس. *تدریس پژوهی*, ۸ (۱), ۱-۱۸.
- گلمحمدنژادبهرامی، غلامرضا. (۱۳۹۷). مقایسه اثر بخشی یادگیری مشارکتی و سنتی بر مهارت‌های ارتباطی و خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه. *نشریه علمی آموزش و ارزشیابی (فصلنامه)*, ۱۱ (۴۱), ۵۸-۳۹.
- Alsahhi, N. R., Alqawasmi, A. A., Habboush, M. A., & Al-yateem, S. S. (۲۰۲۵). The Effect of Using Homogeneous Student Groups in Cooperative Learning on the Achievement of Basic School Students: A Case Study, Jordan. *Educational Process: International Journal*, ۱۴, e۲۰۲۵۰۳۳.
- Aporbo, R. J. (۲۰۲۳). Impact of Cooperative Learning Strategy on Students' Academic Productivity. *Journal of Student and Education*, ۱(۱), ۱۶-۲۶. <https://journals.e-palli.com/home/index.php/jse>
- Barrett, T., (۲۰۰۵). Effects of cooperative learning on the performance of sixth-grade physical education students. *Journal of Teaching and Physical Education*, ۲۴, ۸۸-۱۰۲.
<https://doi.org/10.1123/jtpe.24.1.88>
- Cahyono, D., & Rusiadi. (۲۰۲۵). *The role of the teacher as a facilitator in the learning process: A review of educational psychology*. *International Journal of Teaching and Learning*, ۳(۱). Retrieved from
- Chan, S. C., Wan, C. J., & Ko, S. (۲۰۱۹). Interactivity, active collaborative learning, and learning performance: The moderating role of perceived fun using personal response systems. *The International Journal of Management Education*, ۱۷(۱), ۹۴-۱۰۲.
<https://doi.org/10.1016/j.ijme.2018.12.004>
- Gates S A. (۲۰۱۹). Comparison of Cooperative Learning and Collaboration in High School Geometry Classes Including Geometry in Construction. *Dissertations*. ۳۵۵
- Goodyear, V., & Dudley, D. (۲۰۱۵). "I'm a facilitator of learning!" Understanding what teachers and students do within student-centered physical education models. *Quest*, ۶۷(۳), ۲۷۴-۲۸۹. <https://doi.org/10.1080/00336297.2015.1051236>
- Hendrickson, P. (۲۰۲۱). Effect of active learning techniques on student excitement, interest, and self-efficacy. *Journal of Political Science Education*, ۱۱(۲), ۳۱۱-۳۲۵.
<https://doi.org/10.1080/15512169.2019.1629946>
- Johnson, D. W., & Johnson, R. T. (۲۰۱۶). Cooperative learning and teaching citizenship in democracies. *International journal of educational research*, ۷۶, ۱۶۲-۱۷۷.
<https://doi.org/10.1016/j.ijer.2015.11.009>

Kimmelmann N, Lang J. (۲۰۱۹). Linkage within teacher education: cooperative learning of teachers and student teachers. *European Journal of Teacher Education*, ۴۲(۱): ۵۲-۶۴.
<https://doi.org/10.1080/02619768.2018.1547376>

Lincoln, Y.S., & Guba, E.G. (۱۹۸۵). *Naturalistic inquiry*. Sage. [https://doi.org/10.1016/0147-1767\(85\)90062-8](https://doi.org/10.1016/0147-1767(85)90062-8)

Lowman, D. (۲۰۲۵). *Identifying an Extrinsic Rewards System to Improve Student Behavior* (Doctoral dissertation, Wilmington University (Delaware)).

Malmberg J, Järvelä S, Järvenoja H. (۲۰۱۷). Capturing temporal and sequential patterns of self-, co-, and socially shared regulation in the context of collaborative learning. *Contemporary Educational Psychology*, ۴۹: ۱۶۰-۱۷۴.
<https://doi.org/10.1016/j.cedpsych.2017.01.009>

Martinez, M. E., & Gomez, V. (۲۰۲۵). Active learning strategies: a mini review of evidence-based approaches. *Acta Pedagogica Asiana*, ۴(۱), ۴۳-۵۴. <https://doi.org/10.53623/apga.v4i1.555>

Pamzan, M., Javaid, Z. K., & Ali, A. A. (۲۰۲۳). Perception of students about collaborative strategies employed by teachers for enhancing English vocabulary and learning motivation. *Pakistan JL Analysis & Wisdom*, ۲, ۱۴۶.

Pebriana, P. H., Misnati, K., Jeniari, F., Azzikra, R., Nurhayati, N., Andina, F. Z., ... & Zhefira, N. (۲۰۲۵). Systematic Literature Review on the Effectiveness of the Cooperative Learning Models in Improving Collaboration and Social Skills of Elementary School Students. *TOFEDU: The Future of Education Journal*, ۴(۳), ۶۷۷-۶۸۲.
<https://doi.org/10.61445/tofedu.v4i3.424>

Sari, N. P., Basyar, S., & Jatmiko, A. (۲۰۲۴). The Jigsaw Cooperative Learning Model in Islamic Religious Education to Develop Students' Emotional Intelligence. *Bulletin of Science Education*, ۴(۱), ۱۲۲-۱۳۴. <https://doi.org/10.51278/bse.v4i1.986>

Sawyer, J., & Obeid, R. (۲۰۱۷). Cooperative and collaborative learning: Getting the best of both words. *How we teach now: The GSTA guide to student-centered teaching*, ۱۶۳-۱۷۷.

Slavin, R. E. (۲۰۱۴). Cooperative Learning and Academic Achievement: Why Does Groupwork Work? [Aprendizaje cooperativo y rendimiento académico: por qué funciona el trabajo en grupo?]. *Anales de Psicología/Annals of Psychology*, ۳۰(۳), ۷۸۵-۷۹۱.
<https://doi.org/10.60۱۸/analesps.30.3.201201>

Silva, R., Farias, C., & Mesquita, I. (۲۰۲۱). Cooperative learning contribution to student social learning and active role in the class. *Sustainability*, 13(۱۵), ۸۶۴۴.
<https://doi.org/10.3390/su13۱5۸۶۴۴>

Tran, V. D. (۲۰۱۹). Does Cooperative Learning Increase Students' Motivation in Learning? *International Journal of Higher Education*, ۸(۵): ۱۲-۲۰. <https://doi.org/10.54۳۰/ijhe.v۸n۵p>

Van Manen, M. (۲۰۱۶). *Pedagogical tact: Knowing what to do when you don't know what to do*. Routledge.

Warfa, A. R. M. (۲۰۱۶). Using cooperative learning to teach chemistry: A meta-analytic review. *Journal of chemical education*, ۹۳(۲), ۲۴۸-۲۵۵.
<https://doi.org/10.1021/acs.jchemed.5b00608>

Yang, S. (۲۰۲۳). Research on Curriculum Reform in Teacher Education Courses Based on the Outcomes-Based Education (OBE) Philosophy. *Curriculum and Teaching Methodology*, ۹(۱۹), ۱-۷.

Zainuri, A., & Huda, M. (۲۰۲۳). Empowering cooperative teamwork for community service sustainability: insights from service learning. *Sustainability*, ۱۵(۵), ۴۵۵۱.
<https://doi.org/10.3390/su15054551>

Zabolotna, K., Nøhr, L., Iwata, M., Spikol, D., Malmberg, J., & Järvenoja, H. (۲۰۲۵). How does collaborative task design shape collaborative knowledge construction and group-level regulation of learning? A study of secondary school students' interactions in two varied tasks. *International Journal of Computer-Supported Collaborative Learning*, ۱-۲۹.
<https://doi.org/10.1007/s11412-024-09442-3>

